

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضربالمثل‌های برآمده از متون ادب فارسی

علیرضا آرمان^۱ مهیار علوی‌مقدم^۲ علی تسینی^۳ محمود الیاسی^۴

(دریافت: ۱۳۹۸/۱/۹ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۱)

چکیده

به کارگیری استعاره‌های متفاوت در متن توسط کاربران زبان، بازتاب نگرش و تلقی آن‌هاست. ایدئولوژی‌ها و بینش‌ها، به منظور تحقق باورها و آموزه‌های خود، استعاره را خلق می‌کنند. به این ترتیب، نقش استعاره در اجتماع و زندگی، انکارناپذیر است. ضربالمثل به مثابه بازتابنده اندیشه‌های گویشوران یک زبان، بخشی از ادبیات بومی و مردمی است که می‌توان آن را جزو بهترین راههای بیان اندیشه‌های رایج در میان آنان دانست. نام حیوانات از پرکاربردترین واژه‌هایی هستند که در ضربالمثل‌های فارسی، در دیوان شاعران پیشین و معاصر برای نمایاندن ساحت‌های مادی و معنوی استفاده شده است. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی می‌کوشد به واکاوی استعاره‌های مفهومی صور حیوانی در ضربالمثل‌های برآمده از متون ادبی، بر اساس نظریه زبان‌شناسی شناختی، بپردازد. داده‌های این پژوهش برگرفته از فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی اثر ذوق‌القاری است؛ به این ترتیب که قریب صدهزار ضربالمثل برسی و موارد مورد نظر یادداشت و تحلیل شدند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که در کل ضربالمثل‌های بررسی شده درخصوص کاربرد حیوانات، ۱۸۴ نگاشت دیده شد که در این میان، استعاره

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

m.alavi.m@hsu.ac.ir

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

۴. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه حکیم سبزواری.

مفهومی «ضعف و ناتوانی» با ۲۶ ضربالمثل و ۱۵ نگاشت، بیشترین بسامد و پس از آن، به ترتیب استعاره مفهومی «دشمنی» ۲۱ ضربالمثل و ۸ نگاشت، استعاره مفهومی «نیرومندی» ۱۵ ضربالمثل و ۶ نگاشت و سرانجام استعاره مفهومی «نادانی و بی خردی» ۱۲ ضربالمثل و ۵ نگاشت را به خود اختصاص داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نگاشت، صور حیوانی، ضربالمثل.

۱. مقدمه

در «زبان‌شناسی شناختی»^۱ تلاش می‌شود تا مطالعه زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی باشد. زبان‌شناسی شناختی خروجی‌های ذهن را بررسی می‌کند و مدعی است که زبان آدمی از بهترین مراجع برای دسترسی به شناخت انسان است. محققان این حوزه به خاستگاه اجتماعی، تاریخی، زیستی و محیطی زبان توجهی ویژه نشان می‌دهند و چگونگی شکل‌گیری زبان را متاثر از این عوامل می‌دانند. زبان‌شناسان شناختی، مانند دیگر زبان‌شناسان، زبان را بهدلیل خود زبان مطالعه می‌کنند. آن‌ها سعی می‌کنند نظام‌مندی ساختار و کارکردهای زبان را توصیف کنند و نحوه درک این عملکردها توسط سیستم زبان را شرح دهند؛ اما یکی از دلایل مهمی که زبان‌شناسان شناختی، اساس زبان را مطالعه می‌کنند، در این فرضیه است که زبان، انعکاس‌دهنده الگوهای تفکر انسان است. زبان‌شناسی شناختی رویکردنی است به مطالعه زبان، بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوه درک و شیوه مفهوم‌سازی. بنابراین مطالعه زبان از این نگاه، مطالعه الگوهای مفهوم‌سازی است. با مطالعه زبان می‌توان به ماهیت و ساختار افکار و آراء ذهن انسان پی برد (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۶). رویکرد شناختی به زبان، رویکرد معنی‌بنیاد است که معنی را مهم‌ترین موضوع در مطالعه زبان می‌داند. همین نگاه به معنی سبب شد که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در امریکا، جورج لیکاف و مارک جانسون حرکت جدیدی را در معنی‌شناسی آغاز کنند که بعدها به نام «معنی‌شناسی شناختی» معرفی شد (دیرمقدم، ۱۳۸۶: ۱۲). در تفکرات شناختی، درباره استعاره نگرش متفاوتی وجود دارد:

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضربالمثل‌های علیرضا آرمان و همکاران

در مقابل دیدگاه سنتی، بحث استعاره در باور شناخت‌گرایان محدود به لفظ و زبان نیست. در این دیدگاه، استعاره، موضوعی مفهومی است که در سطح اندیشه ایجاد می‌شود. بنابراین استعاره برخلاف تعاریف سنتی، خاص شعر و ادبیات و تخیل ادبی نیست، بلکه نظام مفهومی ما را از انتزاعی‌ترین تا ملموس‌ترین و جزئی‌ترین امور، در برگرفته و در تعریف واقعیت‌های زندگی نقش اصلی را بر عهده دارد (براتی، ۱۳۹۶: ۸۰).

لیکاف به بررسی استعاره پرداخت و از نظر او، استعاره سازوکار اصلی اندیشه‌انسان است که از طریق آن، مفاهیم انتزاعی را درک می‌کنیم و دست به استدلال انتزاعی می‌زنیم. عمده مطالب، از پیش‌پا افتاده‌ترین موضوعات گرفته تا پیچیده‌ترین نظریات علمی، از طریق استعاره درک می‌شوند. بنیاد استعاره، مفهومی است نه زبانی. زبان استعاری، تجلی روساختی استعاره مفهومی است. اگرچه عمده نظام مفهومی ما استعاری است، بخش بسیاری از آن، غیرمفهومی است. درک استعاری مبتنی بر درک غیراستعاری است. استعاره به ما امکان می‌دهد موضوعی نسبتاً انتزاعی یا ذاتاً فاقد ساختار را بر حسب موضوعی عینی‌تر یا دست‌کم ساخت‌مندتر درک کنیم (لیکاف، ۱۳۸۳: ۲۸۳). استعاره مفهومی، فهم حوزه مقصد بر اساس حوزه مبدأ است و اصل استعاره بر پایه نگاشت‌ها استوار است. آن حوزه مفهومی که ما از آن، عبارات استعاری را استخراج می‌کنیم تا حوزه مفهومی دیگری را درک کنیم، حوزه مبدأ و آن حوزه مفهومی را که به این روش درک می‌شود، حوزه مقصد می‌نامیم (کوچش، ۱۳۹۳: ۱۵).

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. بیان مسئله

ضربالمثل یکی از گونه‌های ادب عامه است که بازتابنده فرهنگ و اندیشه‌های گویشوران هر زبان است و مردم، آن را به عنوان بهترین راه برای بیان اندیشه‌های رایج میان خویش برگزیده‌اند و نموداری است از صفات اخلاقی، افکار، تصورات و رسوم آن ملت (شکورزاده بلوری، ۱۳۷۲: هفت). ضربالمثل به عنوان برآیند درک گویشوران یک زبان، یک نگرش تاریخی از سبک زندگی و رویارویی آنان با چالش‌ها ارائه می‌کند و در این میان، حیوانات جایگاهی درخورد در این گونه ادبیات عامیانه دارند. نگاه به

ضربالمثل‌های دربردارنده نام حیوانات، می‌تواند زمینه‌ساز بازنگری شیوه‌بهره‌گیری از آن‌ها در جوامع باشد (صادقی‌منش، ۱۳۹۶: ۵۲).

ضربالمثل‌ها یکی از گونه‌های ادبی هستند که در چارچوب معناشناسی شناختی قابل بررسی‌اند. بر اساس نظریه استعاره مفهومی، تطابق حوزه مبدأ با مقصد امکان‌پذیر است و چون ضربالمثل‌ها دارای ساخت‌علی، ساختار زمانی، شکل رویداد، ساختار هدف، وجه و میزان خطی هستند، می‌توانند با لفظی اندک و به شکلی تأثیرگذار، مفاهیم انتزاعی را بیان کنند. در ضربالمثل‌ها، هر یک از مفاهیم انتزاعی، به‌وسیله نمودهای حیوانی بیان شده‌اند که برای درک آسان‌تر مفاهیم انتزاعی با مفاهیم نمادین در ضربالمثل‌ها بیان می‌شوند.

۲-۲. پرسش‌های پژوهش

تحلیل و توصیف ضربالمثل‌های فارسی بر اساس نظریه استعاره مفهومی، می‌تواند راهنمای ما در جهت دست‌یابی به ساحت گسترده‌اندیشه فارسی‌زبانان و باورها و پسندها و ناپسندهای آنان باشد که به شیوه‌ای غیرمستقیم و با بهره‌بردن از ابزار «مثال»، بیان شده است. در راستای این پژوهش، پرسش‌های زیر، مطرح می‌شود:

- نگاشت‌های استعاره‌های مفهومی مตکی بر نام حیوانات، در ضربالمثل‌های برآمده از متون ادبی، کدام‌اند و بسامد هر یک چه مقدار است؟
- نگاشت‌های پرکاربرد، بیانگر چه ابعادی از اندیشه و باورهای مردم ایران، در برخورد با جهان پیرامون آن‌هاست؟

۲-۳. پیشینه پژوهش

در زمینه بررسی شناختی ضربالمثل‌های فارسی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضربالمثل‌های شرق گیلان» نوشته روشن (۱۳۹۲) که به بررسی مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضربالمثل‌های شرق گیلان بر مبنای مدل «طرح‌واره‌های تصویری ایوانز و گرین» در چارچوب معنی‌شناسی شناختی، پرداخته است. نتیجه این

پژوهش، مشخص شدن طرح‌واره فضا، طرح‌واره مهارشده‌گی و طرح‌واره جابه‌جایی (حرکت) بوده است. مقاله دیگر «مقایسه ضربالمثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن، از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی» نوشته متقی زاده (۱۳۹۳) است که به بررسی ضربالمثل‌ها به عنوان یکی از وجوده ادبیات شفاهی، پرداخته است. نتیجه این پژوهش، حاکی از آن است که بررسی و مقایسه ضربالمثل‌های فارسی و عربی و کشف وجوده تشابه و تفارق آنها، بیانگر اشتراکات و تفاوت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی میان ایرانیان و اعراب است. پژوهش دیگر، مقاله‌ای است با عنوان «بررسی مبانی استعاری ضربالمثل‌های دینی - مذهبی» نوشته ملاکی (۱۳۹۵) که نویسنده، مبنای استعاری ضربالمثل‌های دینی را غالباً «ساختاری» می‌داند و علت آن را این‌گونه بیان می‌کند که چون در گفتمان دینی، مفاهیم، پشتوانه‌ای نیرومند از اعتقاد و عقلانیت دارند، در ساختاری قرار می‌گیرند که اعتقاد، تسلیم، تحکم و تغییرنمازیدری، ویژگی بارز آن است. مقاله دیگر، «تحلیل زمان و شاخص‌های زمانی در ضربالمثل‌ها با رویکرد نشانه - معناشناسی» نوشته اطهاری (۱۳۹۳) است. نویسنده معتقد است که ضربالمثل‌ها درحقیقت، وجودی مجازی دارند و پس از به کار گرفته شدن در بافت یا شرایط خاص، به وسیله گوینده آن، حضوری جاری خواهند داشت. همچنین وی ضربالمثل را ذاتاً «بیان جمعی» می‌داند که پس از کاربرد آن از جانب گوینده، به «بیان فردی» و تجربه شخصی بدل می‌شود. مقاله دیگر «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضربالمثل‌های فارسی» نوشته رضایی (۱۳۹۴) است. وی معتقد است که در ک مفاهیم در ضربالمثل‌ها بر پایه آن دسته از حوزه‌های مبدأ شکل می‌گیرد که برآمده از زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست. فضائلی (۱۳۹۲) پژوهش دیگری با عنوان «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضربالمثل‌های فارسی» انجام داده است. وی پس از بررسی شصت ضربالمثل بر اساس طرح‌واره‌های قدرتی، به دریافت‌هایی در زمینه روان‌شناسی قوم‌شناسی ایرانی رسیده و نتیجه آن دریافت‌ها، این است که تفکر حاکم بر رفتار قوم ایرانی، این بوده و هست که در برابر سد مشکلات، پایداری کنند، برای هر مشکلی در جست‌وجوی راه حلی باشند و همچنین سعی کنند بهترین راه حل را در مواجهه با مشکل و برای برطرف کردن آن، برگزینند. در زمینه تحلیل معناشناسی

نگاشت‌های استعاره‌ای نام «حیوانات» در ضربالمثل‌های برآمده از متون ادب فارسی، تنها یک مورد یافت شد: مقاله «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضربالمثل‌های گویش لار» نوشته شریفی (۱۳۹۲) است. وی به کارکردهای تربیتی و آموزشی ضربالمثل‌ها و تشابه آن‌ها با ضربالمثل‌های گویش کرمانی پرداخته و تحلیلی معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضربالمثل‌های منطقه لار، ارائه کرده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

۳-۱. استعاره مفهومی

واژه استعاره شامل گروه خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود و در آن، از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱). در دیدگاه کلاسیک در تعریف واژه استعاره گفته‌اند: شیوه بیان بدیع شاعرانه، که طی آن یک یا چند واژه موجود برای یک مفهوم، خارج از معنای معمول قراردادی‌اش، برای بیان مفهوم مشابه به کار گرفته می‌شود (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

جورج لیکاف و مارک جانسون در سال ۱۹۸۰ در کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم بیان کردند که خلاف تصور عامه مردم که استعاره را یک ابزار ادبی صرف زبان شعر و شاعری می‌دانند و آن را جدا از اندیشه و عمل می‌پنداشند، استعاره‌ها عملاً ساختار ادراکات و دریافت‌های ما را تشکیل می‌دهند (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۳۷). «درون‌مایه استعاره عبارت است از درک و تجربهٔ چیزی بر حسب چیز دیگر» (همان، ۵). آنان تأکید دارند که استعاره لزوماً ابزار زبانی برای اندیشه نیست؛ بلکه راه و روشی برای اندیشیدن در مورد چیزهای است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ادعا می‌کنند که نظام تصوری ذهن انسان، بر پایه مجموعه کوچکی از مفاهیم تجربی شکل گرفته است؛ مفاهیمی که مستقیماً از تجربهٔ ما ناشی می‌شوند و به خودی خود و نه در ارتباط با حوزه‌های تصوری دیگر، تعریف می‌شوند (گلام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱)

آنان در مورد استعاره به دو نکته اشاره دارند: ۱. زبان استعاری، بر پایه یک نظام فکری، استوار است؛ ۲. استعاره‌های مفهومی در ماهیت ارتباط ما با جهان واقعی قرار دارند؛ بنابراین آنچه به آن می‌اندیشیم و هر آنچه که در زندگی انجام می‌دهیم، تحت تأثیر استعاره است و از آن‌جا که استعاره مفهومی برآمده از ادراک و نظام مفهومی انسان است، می‌تواند محمل خوبی برای دست‌یابی به معانی پنهان و سامانه‌های فکری افراد باشد (همان). در این نظریه، استعاره، نگاشت‌های کلی بین حوزه‌های مفهومی است؛ به عبارت دیگر، استعاره، به هر نوع مفهوم‌سازی و بیان مفاهیم یک حوزهٔ ذهنی در قالب حوزهٔ ذهنی دیگر که غالباً حوزه‌ای ملموس‌تر است، گفته می‌شود و استعاره، نگاشت میان مفاهیم دو حوزهٔ مفهومی مبدأ و مقصد است (نور محمدی، ۱۳۸۷: ۴). یکی از مشخص‌ترین روابط معنایی، مسئلهٔ استعاره است؛ یعنی واژه‌ای در کنار معنی تحت‌اللفظی خود، یک یا چند کاربرد جنبی نیز داشته باشد (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۱۶). در زبان‌شناسی شناختی، استعاره از دیدگاه لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) انتخاب برخی از ویژگی‌های یک حوزهٔ مفهومی و انتقال آن به حوزهٔ مفهومی دیگر است؛ یعنی انتقال برخی از ویژگی‌های حوزهٔ مبدأ به حوزهٔ مقصد.

۳-۲. ضربالمثل از دیدگاه استعاره مفهومی

در استعاره مفهومی با دو حوزه سروکار داریم: حوزهٔ مبدأ که ضربالمثل به آن ارجاع می‌یابد و ادراک ما از آن، به‌طور خودکار، دانش حوزهٔ مقصد را فعال می‌کند و در این حوزه نیز ضربالمثل در بافت به‌کار برده می‌شود. بر اساس نظریهٔ استعاره مفهومی، تطابق حوزهٔ مبدأ با مقصد امکان‌پذیر است و این تطابق به‌واسطهٔ تفسیر و درک ضربالمثل‌ها انجام می‌گیرد (روشن و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۰). تمام ضربالمثل‌ها دارای طرح‌واره‌های سطح کلی و طرح‌واره‌ها شامل ساخت‌علی، ساختار زمانی، شکل رویداد، ساختار هدف، وجه و میزان خطی هستند. بنابراین، آن‌ها شامل عناصر اصلی ساختار سطح عام و کلی هستند. تفسیر استعاری چنین آشکال گفتمانی، از جمله ضربالمثل‌ها، افسانه و غیره به توانایی انسان در استخراج طرح‌واره‌های سطح کلی بستگی دارد (رضایپور، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۶). لیکاف و ترنر رابطهٔ بین ساختار دانش و ساختار سطح عام آن

را با استعاره «عام، خاص است» بیان کرده‌اند. این سازوکاری عمومی برای درک عام است بر حسب خاص. وجود اصل تغییرناپذیری، ضرورت ارائه تعریفی متفاوت از ساختار سطح عام را از بین می‌برد و خود ویژگی‌های ساختار سطح عام را تعیین می‌کند و موارد ممکن از تشخّص (انسان‌پنداری) و تفسیرهای ممکن از ضربالمثل‌ها را تبیین می‌کند. استعاره عام خاص است کارکردی فراتر از ضربالمثل‌ها دارد (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۶).

۴. تجزیه و تحلیل استعاره‌های مفهومی ضربالمثل‌ها

اکنون به تحلیل و توصیف استعاره‌های مفهومی صور حیوانی، که از فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) استخراج شده است، بر اساس دیدگاه معناشناسی شناختی، می‌پردازیم. گفتنی است تمام ارجاعات به شعر شاعران فارسی‌زبان در جدول‌های ذیل، به نقل از کتاب فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی است و مبنای نقل قول‌ها همین مأخذ است و از این رو در منابع این مقاله، ذکری از مشخصات کتاب‌شناسی این منظومه‌های شعری نشده است.

۴-۱. استعاره مفهومی «نفس»

با دو نگاشت «نفس، اژدهاست» و «نفس، سگ است» در ضربالمثل‌ها نمود یافته است. در نظر عارفان به‌ویژه مولانا، «نفس اماره»، مذموم دانسته شده است و انسان باید خود را از هواجس نفسانی حفظ کند. این نگرش منفی به نفس، در استعاره‌های مفهومی ساخته آنان نیز مشهود است؛ چنان‌که مولانا برای برحذر داشتن مردم از نفس، آن را به اژدها مانند کرده است:

نگاشت	نمونه	بسامد
«نفس اژدهاست»	نفس اژدهاست او کی مرده است؟ (مولوی، مثنوی، ۱۷۸۲/۲: ۱۳۹۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۰۵۳/۳)	۱
«نفس سگ است»	سگ نفس، آشناگیر است (طالب آملی، کلیات، ۲۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۰۵/۱)	۱

۴-۲. استعاره مفهومی «دشمنی»

استعاره مفهومی «دشمنی» با بسامد ۲۱ بار در ضربالمثل‌های مورد بحث تکرار شده است. در این نوع استعاره، مفاهیم حوزه مقصود با کمک و ام‌گیری از مبحث دشمنی مفهوم‌پردازی شده است. در ضربالمثل‌ها دشمن به اژدها، شیر درنده، افعی، حیوان درنده، سگ، مور، مار و موش تعبیر شده است:

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	اژدها شود از روزگار یابد مار (فرخی، ۶۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷/۱) اژدها می‌شود از حوای زمان آخر مار (صائب، ۱۰۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷/۱) از بیم مور در دهن اژدها شدم (ناصرخسرو، ۱۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۸/۱)	«دشمن نیرومند اژدهاست» «دشمن اژدهاست»
۱	با شیر درنده کینه مساز (فردوسی، ۱۰۰۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۷/۱)	«دشمن نیرومند، شیر درنده است»
۱	افعی کشتن و بچه نگه داشتن، کار خردمندان نیست (سعدی، ۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۴۱/۱)	«دشمن قدرتمند، افعی است»
۱	احسان کند کند دندان تیز (سعدی، ۷۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۱/۱)	«دشمن کینه جو، حیوان درنده است»
۱۳	مخالفان تو، موران بُندند، مار شلنند (سدیدالدین عوفی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۶۴۹/۲)؛ حذر کن زینهار از اتفاق دشمن عاجز / که چون پیوسته گردد مور با هم مار می‌گردد (صائب، ۱۳۸۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۸۲۵/۱)؛ استمالت دشمن، بوسه‌ای باشد بر دهان مار (تاریخ السوزرا، ۶۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۳۶/۱)؛ به دست	«دشمن نیرومند و آسیب‌رساننده، مار است»

		دیگران می‌گیر ماری (نظمی، خسرو و شیرین، ۴۱۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۶۹/۱)؛ به دست کسان، مار باید گرفت (قبوسنامه، ۱۷۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۶۹/۱)؛ به ۶ مار خفته پا مگذار (هاتف اصفهانی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۷۰/۱)؛ چو در خانه بود دشمن تو را یار/ چنان باشد که داری باستین مار (ویس و رامین، ۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۹۳/۱)؛ اژدها شود از روزگار یابد مار (فرخی، ۶۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۲۷)؛ اژدها می‌شود از حوا زمان آخر مار (صائب، ۱۰۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۲۷/۱)؛ از مار چه زاید به جز از مار بچه؟ (مهستی گنجوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۱۷/۱)؛ از مار، بچه مار آید (سمک عیار، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۱۷/۱)؛ آن که عیب تو گفت یار تو است / و آنکه پوشیده داشت مار تو است (اوحدی، دیوان، ۵۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۴۷/۱)؛ یار تو و مار تو است این تنت (ناصرخسرو، ۱۷۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۹۶۶/۲)	
۱	از صلح میان گریه و موش / بر باد رود دکان بقال (ایرج میرزا، ۱۹۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۰۷)	«دشمن حقیر و مؤذی، موش است»	
۱	از بیم مور در دهن اژدها شدم (ناصرخسرو، دیوان، ۱۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۷۸)	«دشمن حقیر، مور است»	
۱	با بداندیش هم نکویی کن / دهن سگ به لقمه	«دشمن بداندیش، سگ	

دوخته به (سعدی، گلستان، ۸۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۰/۱)	است»
---	------

۴-۳. استعاره مفهومی «عاشق»

این استعاره با بسامد ۷ مورد دارد. چنان‌چه در نگاشت‌های مطرح شده در این حوزه، عاشق به چهار حیوان از جمله ببل، شتر مست، ماهی و پروانه مانند شده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	<p>ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی، گلستان، ۵۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸/۱)</p> <p>باغبان چون در چمن گل دید، ببل می‌شود (سلیم، ۲۴۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۸/۱)</p>	<p>«عاشق ظاهربین ببل است»</p> <p>«عاشق، ببل است»</p>
۳	<p>پروانه، چراغ حرم و دیر نداند (عرفی، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۱)</p> <p>پروانه‌ام و عادت من، سوختن خویش (وحشی بافقی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۱)</p> <p>ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی، گلستان، ۵۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸)</p>	<p>«عاشق بی‌پروا، پروانه است»</p> <p>«عاشق دلسوزته، پروانه است»</p> <p>«عاشق واقعی، پروانه است»</p>
۱	<p>آری شتر مست کشد بار گران را (سعدی، کلیات، ۴۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۱۳/۱)</p>	<p>«عاشق، شتر مست است»</p>
۱	<p>عاشق تا به کی شود ماهی؟ (ستایی، حدیقه، ۷۳۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۰۹/۱)</p>	<p>«عاشق، ماهی است»</p>

۴-۴. استعاره مفهومی «ضعف و ناتوانی»

در ضربالمثال‌ها برای درک مفهوم انتزاعی «ضعف و ناتوانی»، آن را در تناظر با حوزه‌هایی مانند پشه، مور، صعوه، گنجشگ، پروانه، خر و خفاش قرار داده‌اند تا میزان این مفهوم انتزاعی بهتر درک شود. حیوانات مذکور در عالم واقع در ضعف و ناتوانی شهره هستند؛ از این رو، این مفهوم برای مخاطب بهتر قابل لمس و درک است. بسامد این مفهوم در ضربالمثال‌های بررسی شده، ۲۶ مورد است:

بسامد	نمونه	نگاشت
۱۰	<p>پشه گیرد چو باشه گردد پیر (سنایی، حدیثه، ۷۲۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۱/۱)؛ پشه کی مرد پای پیل بود؟ (نظمی، هفت‌پیکر، ۹۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه چو پر شد بزند پیل را (سعیدی، گلستان: ۱۲۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه را عشق، باشه گیر کند (سنایی، حدیثه، ۳۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه را کی بود مهابت پیل؟ (ظہیر فاریابی: ۲۱۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه کی جولان کند جایی که باد صرصراست؟ (امیر معزی، ۹۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ اگر پیل با پشه کین آورد/ همه رخنه در داد و دین آورد (فردوسی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۵۷/۱)؛ اگر پشه بگریزد از تنبدیاد/ نباید زبان ملامت گشاد (ادیب نیشابوری، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۵۵/۱)؛ با پشه، عقاب را چه ناورد است؟ (خاقانی، ۷۵۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۱/۱)؛ با ژنده پیل، پشه چو پهلو همی زند/ گر جان به</p>	<p>«شخص ضعیف، پشه است»</p> <p>«شخص حقیر پشه است»</p>

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضربالمثل‌های علیرضا آرمان و همکاران

	باد بر دهد الحق سزای اوست (ابن یمین، ۳۲۹ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۵/۱)	
۱	آهو بجه کی باشد چون بچه ضیغم؟ (فرخی، ۲۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۴/۱)	«ضعیف و آسیب‌پذیر، بچه آهوست»
۱	از دنبه تا نماند نومید و بی‌نصیب/ خرسند کی شود سگ بیچاره به استخوان؟ (ناصرخسرو، ۵۰۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۹۵/۱)	«شخص ضعیف و نامید، سگ است»
۲	از صعوه‌ای محال بود صید کرگدن (ادیب صابر، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۷/۱؛ ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعبه کاو پرواز با عنقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۸/۱)	«شخص ضعیف و ناتوان صعبه است»
۱	بس کس که گاهِ حمله، چو میشی بود ضعیف/ هر چند گاه لاف چو شیری بود ریان (امیر معزی، ۵۰۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۲۹/۱)	«شخص ضعیف و ناتوان، میش است»
۱	اگر بريان کند بهرام، گوري/ نه چون پاي ملخ باشد ز موري (سعدی، گلستان، ۹۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۵۰/۱)	«شخص حقیر و ضعیف، مور است»
۱	پروانه چون برآيد هرگز به چرخ پروين؟ (ناصرخسرو، ۲۳۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۳۰/۱)	«شخص ناتوان، پروانه است»
۲	بر تازی فرسان، خیره خر لنگ متاز (قطران، ۱۸۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۰/۱) آدمی است از پی کاری بزرگ/ گر نکند اوست حیماری بزرگ (امیرخسرو دهلوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۷/۱)	«کاهل و ناتوان، خر لنگ است» «ناتوان از انجام کار بزرگ، حیمار است»
۱	تاب خور ندارد چشم خفash (شیخ محمود	«ناتوان از رویت حقیقت،

	شیستری، ۷۱، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲ (۶۶۷/۱)	خفاش است»
۱	با شیر، خود پنجه تواند زدن شغال؟ (سلمان ساوجی، ۵۶۴، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲ (۴۶۷/۱)	«شخص ناتوان شغال است»
۱	اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد / شکار از دست گنجشکان نگیرد (سعیدی، کلیات، ۸۵۲، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۳۸۰/۱)	«شخص ناتوان و حقیر گنجشک است»
۱	ترجم بر پلنگ تیزندان / ستمکاری بود بر گوسفندان (سعیدی، بوستان، ۱۷۹، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۶۹۶/۱)	«مردم مظلوم و ناتوان، گوسفند هستند»
۱	اهل عالم جمله طفل و ما چو مرغ بی‌پریم (کلیم، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۴۲۱/۱)	«شخص ناتوان، مرغ بی‌پر است»
۱	از نقاب عنکبوتی می‌شود عاجز مگس (صائب، ۲۳۳/۱، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۳۲۲/۱)	«شخص ناتوان، مگس است»
۱	آخر چه کارزار کند با پلنگ، رنگ؟ (سوزنبی، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«شخص ناتوان، رنگ (بزر کوهی) است»

۴-۵. استعاره مفهومی «نادانی و بی‌خردی»

مفهوم «نادانی و بی‌خردی» در ضمن ۱۲ ضرب‌المثل و طی ۵ نگاشت: «نادان بهیمه است»، «نادان خر است»، «نادان گاو است»، «نادان گوسله است» و «نادان ستور است» مطرح شده است. مفهوم انتزاعی «نادانی» در حیواناتی که سمبول نادانی و بی‌خردی هستند، نمود یافته است؛ از این روی، درک مفهوم انتزاعی «نادان» آسان‌تر شده است.

بساطه	نمونه	نگاشت
۱	آری بر بهیمه چه سنبله چه سنبله (ابن یمین، به نقل از ذوق‌الفاری، ۱۳۹۲: ۲۱۳/۱)	«نادان بهیمه است»

۸	<p>حال عیسی ز خر چه می‌پرسی؟ (شاه نعمت‌الله ولی، ۵۶۲ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ ای خری کاین، از تو خر باور کند (مولوی، ۶۹۴/۳ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ اینک خر تو بیار افسار (جامی، لیلی و مجنون، ۷۵۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ آدمی باش و زخرگیران مترب (مولوی، مثنوی، ۲۵۴۷/۵ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ ۲۰۷/۱)؛</p> <p>پیش خر، خر مهره و گوهر یکی است (مولوی، مثنوی، ۳۳۰/۳ به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ بر زبان تسبیح و در دل، گاو و خر (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۵۱۲/۱)؛</p> <p>اگر خر نیاید به نزدیک بار / تو بار گران را به نزد خر آر (فردوسي، ۲۲۷۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ اگر پیر خر بار نکشد، راه برد (تاریخ سیستان، به نقل از ذوالفقاری، ۳۵۷/۱)؛ ۱۳۹۲؛ ۳۶۴/۱)؛</p>	<p>«نادان خر است»</p> <p>«نادان سرباززننده از کار، خر است»</p> <p>«نادان باتجربه، خر پیر است»</p>
۱	بر زبان تسبیح و در دل، گاو و خر (مولوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ ۵۱۲/۱)	«شخص نادان گاو است»
۱	پیش گوساله نشاید که تو قرآن خوانی (ناصرخسرو، ۴۳۶، به نقل از ذوالفقاری، ۶۶۱/۱)؛ ۱۳۹۲	«نادان گوساله است»
۱	آدمی بی‌خرد، ستور بود (ستایی، حدیقه، ۴۶۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲؛ ۲۰۷/۱)	«بی‌خرد، ستور است»

۴- استعاره مفهومی «حرص و طمع کاری»

بسامد این استعاره در ضربالمثل‌ها ۵ مورد است. برای اینکه جذابیت ظاهری و نتیجه نامطلوب گرفتار شدن به رذایل اخلاقی و صفات ناپسند، به خوبی نشان داده شود، در

این مثل‌ها سعی شده است، طمع کاران به سگ، گرگ، مگس و مرغ تشبیه شوند تا با این استعاره‌های مفهومی، مخاطب را از ماهیت این رذایل، آگاه کنند و از این صفات بر حذر دارند.

نگاشت	نمونه	بسامد
«طمع کار سگ است»	تا هست سگ، کجا به هما استخوان رسد؟ (صائب، ۱۹۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۰/۱)	۱
«شخص طمع کار گرگ است»	از آن بر گرگ، رویه راست شاهی / که رویه دام بیند، گرگ ماهی (نظمی، خسرو و شیرین، ۱۸۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	۱
«دوست دغل و طمع کار، مگس است»	این دغل دوستان که می‌بینی / مگسانند دور شیرینی (سعدی، ۷۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۳۵/۱) این جا شکری است که چندین مگسانند (سعدی، گلستان، ۴۲۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۳۲/۱)	۲
«شخص حریص، مرغ است»	اگر جور شکم نبودی، هیچ مرغی در دام صیاد، نیفتادی (سعدی، ۱۷۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۰/۱)	۱

۷-۴. استعاره مفهومی «ظالم»

بسامد این نوع استعاره ۴ مورد است. از آن‌جا که همه مردمان از فرد ستمگر، می‌گریزند و او را ذاتاً و در سرشت، آسیب‌رساننده می‌دانند، مناسب‌ترین حیوانات برای به تصویر کشیدن این مفهوم انتزاعی در ضرب‌المثل‌ها، پلنگ، گرگ و دد است که نباید با آنان «کارزار» کرد؛ اما اگر کسی بر آن‌ها دست یافت، نباید بر آن‌ها «ترجم» کند؛ زیرا این کار «ستم» بر مظلومان است؛ لذا باید آن‌ها را از میان برداشت.

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضربالمثل‌های علیرضا آرمان و همکاران

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	ترجم بر پلنگ تیزدندان / ستمکاری بود بر گوسفندان (سعیدی، بوستان، ۱۷۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۶/۱) آخر چه کارزار کند با پلنگ، رنگ؟ (سوزنی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«حاکم ظالم و نیرومند پلنگ است» «ظالم و ستمگر، پلنگ است»
۱	هر که انصاف از او جدا باشد/ دد بود دد، نه پادشاه باشد (سنایی، حدیقه، ۵۱۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۹۵/۲)	«پادشاه ستمگر و بی‌انصاف، دد است»
۱	این گرگ سال‌هاست که با گله آشناست (پرورین اعتمادی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۴۲/۱)	«حاکم ستمگر، گرگ است»

۴-۸. استعاره مفهومی «فرومایگی و حقارت»

فرومایگی و حقارت مفهوم انتزاعی دیگری است که در ضربالمثل‌ها با بسامد ۷ مورد، نمود یافته است. این مفهوم انتزاعی در حوزه‌های مبدأ: جغد (شوم)؛ کرکس (حقیر و فرومایه)؛ سگ، خر، گاو، وزغ و مگس (فرومایه و حقیر)، مفهوم‌سازی شده است تا درک این مفهوم ذهنی کاملاً حسی و ملموس شود.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	با بام خرابات چه جغدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۰۹/۱)	«شخص فرومایه، جغد است» «شخص نامبارک جغد است»
۱	اسب تازی، شده مجروح به زیر پالان / طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم (حافظ قدسی، ۴۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۱)	«شخص فرومایه، خر است»

۱	از سگ کمتر (فخرالدین علی صفحی، اطایف الطوایف، ۲۳۶، ۲۰۲۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۰۳/۱)	«شخص فرومايه سگ است»
۱	بال کرکس کی رسد در ذروهه دوپیکری (ادیب پیشاوری، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۷۵/۱)	«شخص حقیر و فرومايه کرکس است»
۱	اسب تازی نژاد، گاو پالانی شد (تاریخ العزز، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹)	«شخص فرومايه گاو است»
۱	اگر خود شود غرقه در زهر مار / نخواهد نهنج از وزغ زینهار (نظمی، شرفنامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۶/۱)	«شخص فرومايه وزغ است»
۱	ای مگس، عرصه سیمغ نه جولانگه توست (حافظ، ۳۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۸/۱)	«شخص حقیر و بی مقدار مگس است»

۹-۴. استعاره مفهومی «قناعت»

مفهوم انتزاعی «قناعت»، با بسامد ۲ مورد در ضربالمثل‌ها یافت شد که نگاشتهای استعاری «قانع هماست» و «قانع صدف است» این مفهوم انتزاعی را مجسم کرده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	تا صدف قانع نشد، پُر ڈر نشد (مولوی، مثنوی، ۲۱/۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۸۳/۱)	«قانع، صدف است»
۱	تا هست سگ، کجا به هما استخوان رسد؟ (صائب، ۱۹۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۰/۱)	«قانع هماست»

۴-۱۰. استعاره مفهومی «نیرومندی»

مفهوم «نیرومند» ۱۵ بار در ضربالمثل‌ها مطرح شده است. در تجسم بخشیدن به این مفهوم انتزاعی، نگاشت‌هایی استعاری، آفریده شده‌اند که صور حیوانی: پیل، شیر، بچه شیر، عقاب، نهنگ (مظہر قدرت و شجاعت) و عنقا (نیرومند، دست‌نیافتنی و با مناعت طبع)، نیرومندی را مفهوم‌سازی کرده‌اند.

نگاشت	نمونه	بسامد
«شخص نیرومند پیل است» «شخص قدرتمند، زنده پیل است»	پشه را کی بود مهابت پیل؟ (ظهیر فاریابی، ۲۱۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱); پشه چو پر شد بزند پیل را (سعدی، گلستان، ۱۲۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱); اگر پیل با پشه کین آورد/ همه رخنه در داد و دین آورد (فردوسی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۵۷/۱) با زنده پیل، پشه چو پهلو همی‌زند/ گر جان به باد بر دهد الحق سزای اوست (ابن یمین، ۳۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۵/۱)	۴
«شخص نیرومند و با عزّت نفس عنقا است» «حریف توana و دست‌نیافتنی، عنقا است»	اگر عنقا ز بی‌برگی بمیرد/ شکار از دست گنجشکان نگیرد (سعدی، کلیات، ۸۵۲، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۸۰/۱) ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعوه کاو پرواز با عنقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۸/۱)	۱
«شخص نیرومند و خشمگین شیر است» «دلاور نیرومند، شیر است»	بس کس که گاه حمله چو میشی بود ضعیف/ هر چند گاه لاف، چو شیری بود ژیان (امیر معزی، ۵۰۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۲۹/۱)	۶

	<p>با شیر خود چه پنجه تواند زدن شغال؟ (سلمان ساوجی، ۵۶۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۷/۱)</p> <p>با دم شیری تو بازی می‌کنی؟ (مولوی، مشنوی، ۳۳۴۱/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۷/۱)</p> <p>ابله آن گرگی که او نخجیر با شیر افکند/ وای بر آن صعوه کاو پرواز با عقا کند (منوچهری، ۲۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۸/۱)</p> <p>از شیر، شیر بچه آید (سمک عیار، ۴۷۸/۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱؛ ۳۰۶/۱)؛ بر در خانه، هر سگی شیر است (ستایی، حدیقه، ۳۰۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۱/۱)</p>	<p>«شخص نیرومند و خطرناک، شیر است» «حریف نیرومند، شیر است» «شخص شجاع، شیر است»</p>
۱	<p>با پشه، عقاب را چه ناورد است؟ (خاقانی، ۷۵۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۵۱/۱)</p>	<p>«شخص نیرومند، عقاب است»</p>
۱	<p>آهو بچه کی باشد چون بچه ضیغم؟ (فرخی، ۲۳۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۵۴/۱)</p>	<p>«کوچک و آسیب‌رساننده، بچه شیر است»</p>
۲	<p>نهنگ آن به که با دریا ستیزد (نظامی، خسرو و شیرین، ۱۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۱۴/۲)</p> <p>نهنگی شو که با دریا کند زور (امیرخسرو دهلوی، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۸۱۴/۲)</p>	<p>«دلور شجاع، نهنگ است»</p>

۱۱-۴. استعاره مفهومی «شرافت»

مفهوم انتزاعی «شرافت» با استفاده از دو حوزه ملموس، که در صور حیوانی اسب تازی (مظہر شرافت و گهر نیک) و نهنگ عینی شده است و با بسامد ۳ مورد یافت شد:

بسامد	نمونه	نگاشت
۲	اسب تازی شده مجروح به زیر پالان/ طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم (حافظ قدسی، ۴۵۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹ / ۱); اسب تازی نژاد، گاو پالانی شد (تاریخ السوزر، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹ / ۱)	«شخص والاگهر، اسب تازی است»
۱	اگر خود شود غرقه در زهر مار/ نخواهد نهنگ از وزغ زینهار (نظمی، شرف‌نامه، ۱۷۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۶۶ / ۱)	«انسان شریف، نهنگ است»

۱۲-۴. استعاره مفهومی «ظلم و بدی»

در ضربالمثل‌های برگرفته از صورت‌های حیوانات، صفات ناپسند «ظلم و بدی»، در وجود مار، عینی شده است. در فرهنگ مردم ایران، از دیرباز، مار نماد اهریمن، و منشأ تمامی بدی‌ها و رشتی‌هاست. در تفاسیر قصص قرآن کریم نیز مار، یار شیطان در فریتن «آدم و حوا» است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	ظلم ماری است هر که پروردش/ اژدهایی شد و فروخوردهش (مکتبی، کلمات علیه، ۹۸۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۰۷ / ۱)	«ظلم، مار است»
۱	بدی مار گرزه است از او دور باش (ناصرخسرو، ۲۷۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۹۷ / ۱)	«بدی مار است»

۴-۱۳. استعاره مفهومی «آزار دادن»

مفهوم انتزاعی «آزار»، در ضربالمثل های فارسی، با نگاشته هایی استعاری که از حیوانات: مار، گرگ، شیر و خرمگس، بهره گرفته، نمود پیدا کرده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	از این خلق، امید مهر آن چنان است / که آب حیات از لب مار خواهی (ابن یمین، ۵۳۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۲/۱)	«مردم آزاررساننده، مار هستند»
۱	آن سخن های چو مار و کژدمت / مار و کژدم گردد و گیرد دُمت (مولوی، مثنوی، ۳۴۷۲/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۸/۱)	«سخن آزاررساننده، مار است»
۲	از بدان جز بدی نیاموزی / نکند گرگ، پوستین دوزی (سعدی، گلستان، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۷۴/۱)؛ از من بگوی حاجی مردم گزای را / کاو پوستین خلق به آزار می درد (سعدی، گلستان، ۱۵۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۰/۱)	«شخص بد و آزاررساننده، گرگ است»
۱	ای بسا شیر کان تو را آهوست / وای بسا درد کان تو را داروست (سنایی، ۱۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۲۳/۱)	«شخص آزاررساننده، شیر است»
۱	از خرمگس زمانه فریاد (خاقانی، ۵۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸۹/۱)	«آزاده‌نده، خرمگس است»

۴-۱۴. استعاره مفهومی «شجاعت و جنگ آوری»

مفهوم انتزاعی «شجاعت و جنگجویی» با بسامد یک مورد، این بار در صورت اژدها نمود یافته است. مشاهده می شود که در این نگاشت، خلاف سنن ادبی، با نگاهی مثبت به اژدها نگریسته شده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	اژدها را جنگ (حرب) ننگ آید که با حربا کند (منوچهری، ۲۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۷/۱)	شجاع، «جنگجوی اژدهاست»

۱۵-۴. استعاره مفهومی «فلک، زمانه و جهان»

بشر از گذشته‌های دور، هموواره از بخت و سرنوشت خود، گله و شکایت داشته؛ سرنوشتی که آن را از جانب ستارگان و فلک می‌دانسته است. «دشمینی» روزگار با آدمی یکی از محورهای اصلی اندیشه بشر بوده و هست که در ادبیات و فرهنگ عامه ممکن شده است. در ضربالمثل‌های فارسی، این مفهوم «دشمینی فلک» در چهره حیواناتی مانند: اژدها، شیر، گرگ پیر و خرمگس، با بسامد چهار مورد نمود یافته است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	فلک چون یکی هفت سر اژدهاست (اسدی طوسی، گرشاسب‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۶۸/۲: ۱۳۹۲)	«فلک، اژدهاست»
۱	از خرمگس زمانه فریاد (خاقانی، ۵۱۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۸۹/۱)	«زمانه خر مگس است»
۱	بود مصاف تو ای چرخ، با شکسته‌لان/ همیشه شیر تو آهوی لنگ می‌گیرد (صائب، ۱۸۲۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۴۳/۱)	«چرخ شیر است»
۱	جهان گرگ کهن است و آدمی، بی‌وفای دیرینه. (طوطی‌نامه، ۳۶۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۷۶۰/۱)	«جهان، گرگ پیر است»

۴-۱۶. استعاره مفهومی «آلودگی و پلشی»

بنیان آفرینش استعاره‌هایی که بیانگر مفهوم انتزاعی «آلودگی» است، بر باورهای فقهی و مذهبی، نهاده شده است. «خون» را خوراک پشه و سگ را جزو «نجاسات» دانسته‌اند. بسامد این نگاشت، ۳ مورد است که در جدول زیر، نشان داده شده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	پشه گاه افتاد که خون آلود سازد شیر را (نجاتی، ۱۴، به نقل از ذوقفاری، ۱۳۹۲: ۱/۶۴۰)	«شخص پلشت و آلوده، پشه است»
۲	اگر برکه‌ای پر کنند از گلاب/ سگی در وی افتاد شود منجلاب (سعدي، گلستان، ۸۲، به نقل از ذوقفاری، ۱۳۹۲: ۱/۳۵۰؛ آدمى زاده چون خورد چيزى/ که سگان را دهان بود در وی؟ (سيف فرغاني، قصيدة ۱۲۲، به نقل از ذوقفاری، ۱۳۹۲: ۱/۲۰۹)	«شخص پلید سگ است»

۴-۱۷. استعاره مفهومی «جاهطلبی و مال پرستی»

همان‌طور که پیش از این بیان شد، همه مفاهیم «ناخوشایند و ناپستند»، در وهله نخست به مار و اژدها مانند می‌شوند. این نگاشت در باورهای کهن ما ریشه دارد. در «یک» بیت، مفاهیم «شهوت مال و جاهطلبی» جمع شده‌اند که مولانا به زیبایی، «خطرناک بودن» این صفات رذیله را به تصویر کشیده است.

بسامد	نمونه	نگاشت
۱	حرص شهوت، مار و منصب، اژدهاست (مولوي، مثنوی، ۳۴/۵، به نقل از ذوقفاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۲۶)	«شهوت مال، مار است»
۱	حرص شهوت، مار و منصب، اژدهاست (مولوي، مثنوی، ۳۴/۵، به نقل از ذوقفاری، ۱۳۹۲: ۱/۸۲۶)	«جاهطلبی، اژدهاست»

۴-۱۸. استعاره مفهومی «بدزبانی و سخن‌های ناخوشایند»

مولوی در بیتی دیگر، «بدزبانی» را - که در دین، جزو گناهان کبیره است - در دو صورت حیوانی مار و کژدم مفهوم‌سازی کرده است؛ یعنی، سخنان آزاردهنده را مانند «سم مار و کژدم»، کشنده و نابودکننده می‌داند.

نگاشت	نمونه	بسامد
«سخن‌های ناخوشایند و آسیب‌رساننده کژدم است»	آن سخن‌های چو مار و کژدم / مار و کژدم گردد و گیرد ڈمت (مولوی، مثنوی، ۳۶۷۲/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۸/۱)	۱
«سخن آزاردهنده و ناخوشایند مار است»	آن سخن‌های چو مار و کژدم / مار و کژدم گردد و گیرد ڈمت (مولوی، مثنوی، ۳۶۷۲/۳، ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۹۲)	۱

۴-۱۹. موارد متفرقه

استعاره‌های مفهومی «شتاب»، «اجل»، «بی‌فایده و بی‌سود بودن»، «شاعری»، «همت داشتن»، «کوتاهی عمر»، «ریاکاری»، «خون‌خواری»، «تکبیر و غرور»، «کینه‌جویی»، «پُرخوری»، «ثروت و دارایی»، «روی بر تافتن از حقیقت»، «بد فعل بودن»، «مهر زنان»، «رعیت»، «زیرکی»، «نیازمندی»، «زشت رویی»، «ترسو بودن»، «حسد»، «عظمت و بزرگی»، «پیروزی و موفقیت»، «تقدیر»، «بلای آسمانی»، «بی‌نیازی»، «وقار و تائی»، «تقلید»، «بلندپروازی»، «سُستی»، «هولناک و آسیب‌رساننده بودن»، «حکمت»، «خیانت و بی‌وفایی»، «بدبختی»، «هم‌نشین بد»، «صبر»، «خجستگی»، «مخاطرات عمر»، «دل»، «زیبارویی»، «گرفتاری» و «نامبارکی و شومی».

۴۲ استعاره مفهومی بالا که با بسامد ۵۱ ضربالمثل یافت شده است، به علت اینکه در هر نگاشت، بسامد آن پایین بوده، به صورت تجمیعی و در یک جدول، گردآوری شده که در ذیل آمده است.

بساطه	نمونه	نگاشت
۱	اسب تازی دو تک رود به شتاب / شتر آهسته می‌رود شب و روز (سعده، گلستان، ۱۲۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۱)	«آدم عجول و شتابکار، اسب تازی است»
۱	گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد / و این گله را نگر که چه آسوده می‌چرد (اوحدی، دیوان، ۳۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲/ ۱۵۰۷)	«اجل، گرگ است»
۱	استر چو نزاید، خواه نر، خواه ماده (تاریخ الوزراء، ۴۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۳۵/۱)	«شخص بدون سود و فایده، استر است»
۲	بلبل عرش‌اند، سخنپروران (نظمی، خسرو و شیرین، ۴۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۵۳۸/۱) از عندلیب، وصف گلستان شنیدنی است (صائب، ۹۸۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۳۰۸/۱)	«شاعر، عندلیب است»
۱	با همت باز باش و با کبر رأی پلنگ (کلیله و دمنه، ۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۴۷۸/۱)	«شخص باهمت، باز شکاری است»
۲	پشه کی داند که این باغ از کی است؟ / کاو بهاران زاد و مرگش در دی است (مولوی، مثنوی، ۲۳۲۱/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)؛ پشه از پیل، کم زید بسیار / زان که کوته‌بقا بود خونخوار (ستایی، حدیقه، ۵۴۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۶۴۰/۱)	«شخص دارنده عمر کوتاه، پشه است»
۱	پشه با شب زنده داری خون مردم می‌خورد (صائب، ۲۹۴۹، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰/۱)	«عابد ریاکار شب‌زنده- دار، پشه خونخوار است»

۱	پشه از پیل، کم زید بسیار / زانکه کوته بقا بود خونخوار (سنایی، حدیقه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۰)	شخص خونخوار، پشه است»
۲	پلنگی که گردن کشد بر وحوش / به دام افتاد از بهر خوردن چو موش (سعدي، بوستان، ۱۴۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۲/۱) با همت باز باش و با کبرِ رأی پلنگ (کلیله و دمنه، ۶۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۴۷۸)	شخص متکبر و مغورو، پلنگ است»
۱	پلنگ از زدن، کینه ورتر شود (سعدي، بوستان، ۹۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۲/۱)	شخص کینه‌جو پلنگ است»
۱	پرخوری، زنده پیل باشی تو / کم خوری، جبرئیل باشی تو (سنایی، حدیقه، ۳۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۲۸/۱)	شخص پرخور زنده پیل است»
۱	آدم نمی‌توان گفت، آن را که خر نباشد (بیدل، ۵۴۸، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۶/۱)	ثروت و دارایی خر است»
۱	آفتابی که بر جهان گردد / بهر خفاش، کی نهان گردد؟ (سنایی، حدیقه، ۵۶۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۲۵/۱)	روی برتابن داده از حقیقت، خفاش است»
۱	آدمی شکل بود کاو بدتر از دد باشد (ابن‌یمین، ۳۶۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۰۹/۱)	شخص بد فعل دد است»
۱	بود مهر زنان همچون دُم خر (فخرالدین اسد گرگانی، ۲۳۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۴۳/۱)	مهر زنان، دُم خر (کوتاه است»
۶	شبانی که او بر رمه شد سترگ / گشاد گوسپیدان، چه او و چه گرگ (گرشاسب‌نامه، ۲۰۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۳۹/۱)	رعیت، رمه است»

		تبه گردد از بی‌شبانی، رمه (فردوسی، ۱۰۷۷، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۹۲/۱)؛ از رمه چیزی نماند چون بماند بی‌شبان (عنصری، ۱۵۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۹۸/۱)؛ گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد / وین گله را نگر که چه آسوده می‌چرد (اوحدي، ديوان، ۳۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۵۰۷/۲)؛ اين گرگ سال‌هاست که با گله آشناست (پروين اعتصامي، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱/۴۴۲)؛ سلطان شبان است و عامی گله (سعدي، بوستان، ۳۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۲۰۹۹)	
۱		از آن بر گرگ، رویه راست شاهی / که رویه دام بیند، گرگ ماهی (نظمي، خسرو و شيرين، ۱۸۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	«شخص زيرك، روياه است»
۱		آنچه شيران را کند رو به مزاج / احتياج است احتياج است احتياج (مولوي، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱)	«شخص محتاج و نيازمند، روياه است»
۱		اگر نره طاووس باشد به باغ / که را مى‌کشد دل به ديدار زاغ (گرشاسب‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۳/۱)	«شخص زشت رو، زاغ است»
۱		باز شاهي از حسد گردد غراب (مولوي، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۴۶۴/۱)	«حسود، كالاغ است»
۱		بر در خانه هر سگي شير است (سنایي، حدیقه، ۳۰۵، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۵۱۱/۱)	«شخص ترسو سگ است»
۱		ای مگس، عرصه سيمرغ نه جولانگه توست (حافظ، ۳۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱)	«شخص بزرگ و بی‌مانند، سيمرغ است»

نگاشت‌های استعاره‌ای حیوانات در ضربالمثل‌های علیرضا آرمان و همکاران

۱	(۴۲۸/۱)	
۱	اگر دیر آمدم شیر آمدم، شیر (نظمی، خسرو شیرین، ۲۳، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۳۷۱/۱)	«شخص پیروز و موفق، شیر است»
۱	پنجه در سرپنجه تقدیر کردن مشکل است (صائب، ۵۲۳، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۶۴۵/۱)	«تقدیر، شیر است»
۱	پنجه کردن با بلای آسمانی مشکل است (صائب، ۵۲۸، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۶۴۵/۱)	«بلای آسمانی، پهلوانی قدرتمند است»
۱	آنچه شیران را کند روبه‌مزاج / احتیاج است احتیاج است احتیاج (مولوی، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۲۳۴/۱)	«شخص بی‌نیاز، شیر است»
۱	اسب تازی دو تک رود به شتاب / شتر آهسته می‌رود شب و روز (سعدی، گلستان، ۱۲۵، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۳۲۹/۱)	«شخص با تأنی و وقار، شتر است»
۱	از دو حرف قالبی کز دیگران آموخته است / دعوی گفتار بر طوطی مسلم کی شود؟ (صائب، ۱۳۱۰، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۲۹۵/۱)	«شخص مقلد، طوطی است»
۱	آخر پر عقاب، پر تیر می‌شود (صائب، ۲۰۵۸، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۱۸۷/۱)	«شخص بلندپرواز، عقاب است»
۱	از آنچه عنکبوت باشد، جامه نشاید دوختن (تاریخ امیر، ۲۰۴، به نقل از ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۲۶۹/۱)	«هر آنچه سست است، تار عنکبوت است»
۱	اگر زمانه به گرگی دهد زمامش (عنانش) را / بر او ز بهر سلامت، سلام باید کرد (ناصرخسرو، ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ۳۷۳/۱)	«شخص هولناک و آسیب‌رسان، گرگ است»

۱	حکمت همچو ناقه ضاله است (مولوی، مثنوی، ۳۳۸/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۸۴۰/۱)	«حکمت ناقه ضاله است»
۱	از صلح میان گربه و موش / بر باد رود دکان بقال (ایرج میرزا، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۳۰۷/۱)	«مراقب و نگهبان خیانت کار و بی‌وفا، گربه است»
۱	چو برگردید روز نیکبختی / در و دیوار با او نیش گردند (سعیدی، کلیات، ۷۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۷۸۹/۱)	«بدبختی، مار است»
۱	بود به، مار بد از یار بد (مولوی، مثنوی، ۱۶۹/۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۵۴۳/۱)	«یار بد مار است»
۱	مرغ صبر، از جمله پرآن تر بود (مولوی، مثنوی، ۱۰۶/۲، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۱۶۷۲/۲)	«صبر مرغ است»
۲	مرغ دل از آشیانی دیگر است (عطار، دیوان، ۹۰، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۱۶۷۱/۲) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند / از گوشة بامی که پریدیم، پریدیم (وحشی بافقی، ۱۰۱، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۱۵۶۶/۲)	«دل، مرغ است»
۱	برکشتی عمر، تکیه کم کن / کان نیل نشین نهنگ است (رودکی، ۴۹۴، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۵۱۵/۱)	«خطرات عمر، نهنگ است»
۱	بر بام خرابات چه جلدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۵۰۹/۱)	«شخص خجسته، هماست»
۱	بر بام خرابات، چه جلدی، چه همایی (سنایی، دیوان، ۶۱۳، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ۵۰۹/۱)	«شخص نامبارک، جلد است»

۱	پلنگی که گردن کشد بر وحوش / به دام افتاده، از بهر خوردن چو موش (سعده، بوستان، ۱۴۶، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۶۴۲/۱)	«شخص در دام افتاده، موش است»
۱	اگر نر طاووس باشد به باغ / که را می‌کشد دل به دیدار زاغ؟ (گرشاسب‌نامه، به نقل از ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۳۹۳/۱)	«شخص زیبارو، طاووس است»

۵. نتیجه

از آنجا که در نظریه استعاره مفهومی، شکل‌گیری نگاشت‌های استعاری در ذهن، زنجیره‌ای از استعاره‌ها را در گفتار می‌آفریند، این نظریه می‌تواند پنجره‌ای برای ورود به ذهنیت استعاری نویسنده، شاعر و یا پدیدآورندگان یک اثر باشد. ضربالمثل‌ها که برخاسته از اجتماع و بطن زندگی مردم است و با نوع زندگی و فرهنگ آنان پیوند تنگاتنگی دارد، منعکس‌کننده بسیاری از مفاهیم ذهنی آنان است. استعاره همچون ابزار بسیار مفیدی در شناخت و درک پدیده‌ها و امور، نقش مهمی ایفا می‌کند. اهمیت استعاره در کاربرد واژه، عبارت یا جمله نیست؛ بلکه هر استعاره‌ای بر حسب نیاز بشر، برای درک پدیده‌های ناآشنا و انتزاعی و با تکیه بر ساخت واژه‌ها و اطلاعات قبلی انسان، شکل می‌گیرد و بسیاری از مفاهیم انتزاعی از طریق اطباق استعاری اطلاعات و انتقال دانسته‌ها از زمینه‌ای به زمینه دیگر، نظم پیدا می‌کند.

در این پژوهش که به بررسی استعاره‌های مفهومی به کار رفته در ضربالمثل‌های برآمده از متون ادب پرداخته شده است. نویسنده نشان داده که در کل ضربالمثل‌های بررسی شده در مورد تصاویر حیوانات، ۱۱۷ نگاشت دیده شده است. در این میان، استعاره مفهومی «ضعف و ناتوانی» با ۲۶ ضربالمثل و ۱۶ نگاشت بیشترین بسامد و پس از آن به ترتیب استعاره مفهومی «دشمنی»، با ۲۱ ضربالمثل و ۸ نگاشت؛ استعاره مفهومی «نیرومندی»، با ۱۵ ضربالمثل و ۶ نگاشت متفاوت و استعاره مفهومی «نادانی و بی‌خردی» با ۱۲ ضربالمثل و ۵ نگاشت دیده شد. هر یک از مفاهیم انتزاعی، در حیواناتی که طبق باور مردم، سمبل و نماد بارز آن مفاهیم در عالم واقع هستند، نمود یافته است. از این روی، درک مفهوم انتزاعی را آسان‌تر کرده است. پرداختن به مفاهیم

چهارگانه (ناقوانی، دشمنی، نیرومندی و نادانی) - که ارتباط معنایی تنگاتنگی با یکدیگر دارند - حاکی از بازتاب اندرزها و نکاتی اخلاقی است و به شیوهٔ غیرمستقیم (متل) که گاه با طنز و تهکم همراه است، در پی تعلیم خیر، نیکی و زیبایی است.

پی‌نوشت

1. Cognitive linguistics

منابع

- اطهاری نیک‌عزم، مرضیه (۱۳۹۳). «تحلیل زمان و شاخص‌های زمانی در ضربالمثل‌ها با رویکرد نشانه - معناشناسی». *جستارهای زبانی*. د. ۵. ش. ۳. صص ۱-۲۵.
- براتی، مرتضی (۱۳۹۶). «بررسی و ارزیابی نظریه استعاره مفهومی». *مطالعات زبانی و بلاغی*. س. ۸. ش. ۱۶. صص ۵۱-۸۴.
- پالمر، فرانک رابت (۱۳۹۱). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*. ترجمهٔ کوروش صفوی. چ. ۶. تهران: نشر مرکز.
- دبیر‌مقدم، محمد (۱۳۸۶). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. تهران: سمت.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). *فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی*. چ. ۱. تهران: علم.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم*. چ. ۴. ویراست ۲. تهران: ن: سمت.
- رضاپور، ابراهیم (۱۳۹۰). *نقش استعاره در بازنمایی و بازتولید تحلیل گفتمان انتقادی: ایدئولوژی در رسانه‌ها*. رسالهٔ دکتری زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رضایی، محمد و نرجس مقیمی (۱۳۹۴). «بررسی استعاره‌های مفهومی در ضربالمثل‌های فارسی». *مطالعات زبانی بلاغی*. س. ۸. ش. ۱۱۶-۹۱.
- روشن، بلقیس و همکاران (۱۳۹۲). «مبانی طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضربالمثل‌های شرق گیلان». *زبان‌شناخت*. س. ۴. ش. ۲. صص ۷۵-۹۴.
- شریفی‌مقدم، آزاده و نرجس ندیمی (۱۳۹۲). «تحلیل معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضربالمثل‌های گویش لار». *زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*. ش. ۲. صص ۱۳۷-۱۵۹.

- شکورزاده بلوری، ابراهیم (۱۳۷۲). ده هزار مثل فارسی و بیست و پنج هزار معادل آن‌ها. مشهد: آستان قدس رضوی.
 - صادقی منش، علی و همکاران (۱۳۹۶). «بررسی هم‌سنجد جایگاه زن در ضربالمثل‌های امثال و حکم و فرهنگ ضربالمثل‌های آکسفورد بر بنیاد دیدگاه‌های روان‌شناسخی آفرید آدلر و اریک برن». فرهنگ و ادبیات عامه. س. ۵. ش. ۱۷. صص ۴۷-۶۹.
 - فضائلی، مریم و شهلا شریفی (۱۳۹۲). «بررسی طرح‌واره‌های قدرتی در برخی از ضربالمثل‌های فارسی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان. ش. ۱. صص ۱۳۱-۱۴۴.
 - کوچش، زلتن (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: سمت.
 - گلفام، ارسلان و فاطمه یوسفی‌راد (۱۳۸۱). «زبان‌شناسی شناختی و استعاره». تازه‌های علوم شناختی. س. ۴. ش. ۳. صص ۵۹-۶۴.
 - لیکاف، جورج (۱۳۹۰). «نظریه معاصر استعاره». ترجمه فرزان سجودی. استعاره، مبانی تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی (مجموعه مقالات). چ. ۲. به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سوره مهر. صص ۱۳۵-۲۳۰.
 - متقی‌زاده، عیسی و الهام نیکویخت، (۱۳۹۳). «مقایسه ضربالمثل‌های فارسی و عربی با موضوع سخن، از لحاظ واژگانی، نحوی، بلاغی و معناشناسی». ادبیات تطبیقی. س. ۶. ش. ۱۰. صص ۲۹۵-۳۲۱.
 - ملاکی، زهرا و مختار فیاض (۱۳۹۵). «بررسی مبانی استعاری ضربالمثل‌های دینی - مذهبی». کهن‌نامه ادب فارسی. س. ۷. ش. ۳. صص ۱۱۱-۱۳۰.
 - نورمحمدی، مهتاب (۱۳۸۷). تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج‌البلاغه: رویکرد زبان‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 - هاوکس، تنس (۱۳۷۷). استعاره. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- Lakoff, George & Mark Johnson (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago press.

The metaphoric mappings of animal in proverbs extracted from Persian texts

Alireza Arman¹ Mahyar Alavi Moghadam*² Ali Tasnimi³
Mahmoud Elyasi⁴

1. Ph.D. candidate in Persian language and literature- Hakim Sabzevari University.
Sabzevar – Iran.
2. Associate professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University.
3. Assistant professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University.
Sabzevar –Iran.
4. Assistant professor of Persian language and literature- Hakim Sabzevari University.
Sabzevar – Iran.

Received: 29/03/2019

Accepted: 22/05/2019

Abstract

The use of different metaphors in text by language speakers reflects their attitude and perception. Ideologies create metaphors to realize their beliefs and teachings. In this way, the role of metaphor in society and in life is undeniable. As a reflection of the thoughts of the speakers of a language, the proverb is part of the local and popular literature that can be considered as one of the best ways to express the common thoughts among them. The name of the animals is one of the widely used words in Persian proverbs and in the poetry of the past and in contemporary poets to represent the material and spiritual instances. By adopting a descriptive –analytical research methodology, this research aims at investigating conceptual metaphors of animals in literary texts based on cognitive linguistics theoretical framework. The data gathered is based on “*the great dictionary of Persian proverbs*” by Hassan Zolfaghari. The results of the total proverbial corpus of this dictionary concerning the use of animals showed that 184 mappings were observed, among which the conceptual metaphor of “weakness” with 26 proverbs and 15 mappings was the most frequent, followed by the conceptual metaphor, respectively. “Hostility” with 21 proverbs and 8 mappings, “strengthness” metaphor with 15 proverbs and 6 mappings and finally the metaphor of “ignorance and disbelief” with 12 proverbs and 5 mappings have been frequently used.

Keywords: Cognitive linguistics; conceptual metaphors; mapping; animal figures; proverb

*Corresponding Author's E-mail: m.alavi.m@hsu.ac.ir